

اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی قرآن و تعلیمات دینی دوره‌ی متوسطه و

پیش‌دانشگاهی

اصولی که حاکم بر برنامه‌ی درسی قرآن و تعلیمات دینی است، به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته از این اصول پیش‌تر به درس دینی اختصاص دارند و کاربرد اصلی آن‌ها مربوط به این درس است. دسته‌ای دیگر که عام و فراگیر هستند و به تمام درس‌ها مربوط می‌شوند و به همین جهت در درس قرآن و تعلیمات دینی باید مورد توجه قرار گیرند.

الف-اصول خاص

۱. تلفیق آموزش قرآن و دینی

قرآن کریم کتاب هدایت الهی و منبع اصلی معارف دینی است. هر فرد مسلمان باید با این کتاب آشنا باشد و از هدایت‌های آن بهره‌برد. برای رسیدن به این مرحله، دانش‌آموزان باید در طول سال‌های تحصیل از ابتدایی تا پایان پیش‌دانشگاهی، گام‌های زیر را بردارند:

الف- بتوانند قرآن کریم را به راحتی و به طور صحیح بخوانند.

ب- توانایی نسبی و اجمالی درک معنای این کتاب آسمانی را کسب کنند.

ج- به توانایی نسبی در تدبر در قرآن برسند تا بتوانند از معارف آن بهره‌مند شوند.

د- انس با قرآن پیدا کنند و تفکر و تدبر در آن را در برنامه زندگی خود قرار دهند.

گرچه این سه گام از یکدیگر جدایی ناپذیرند و به هم کمک می‌کنند، اما متناسب با سن دانش‌آموزان، در هر دوره تأکید بیشتری بر یکی از این گام‌هاست، جز گام چهارم که در همه دوره‌ها دنبال می‌شود. در دوره ابتدایی، تأکید بر گام اول و در دوره راهنمایی تأکید بر گام دوم می‌باشد. دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی نیز پیش‌تر به گام سوم اختصاص یافته است.

پس دوره متوسطه، دوره تدبر در قرآن و آشنایی با معارف آن است.

از طرف دیگر، در درس دینی تلاش بر آن است که قرآن کریم و سیره معصومین محور قرار گیرند و درس‌های زندگی با الهام از این دو منبع به دانش‌آموزان آموزش داده شود. اینجاست که می‌بینیم دو جویبار

آموزش قرآن کریم و تعلیمات دینی که از دوره ابتدایی آغاز شده و دوره راهنمایی را طی کرده‌اند، در دوره متوسطه به یکدیگر پیوسته و هم‌هدف شده‌اند.

یکی شدن هدف این دو درس، این پیام را دارد که محتوای آموزشی، شیوه‌های تدریس و ارزش‌یابی آن‌ها نیز باید یکی شوند. نتایج و ثمرات این تلفیق آن است که:

الف- دانش‌آموزان با تدبیر در قرآن، معارف دینی خود را به دست می‌آورند و این یک همکاری طبیعی میان آموزش قرآن و درس دینی است. این همکاری تمام مراحل آموزش، مانند تدوین محتوا، تدریس در کلاس و ارزش‌یابی را پوشش می‌دهد و در سهولت یادگیری دانش‌آموز و انسجام فکری وی تأثیر به‌سزایی دارد. به‌طور مثال وقتی که در آموزش قرآن به تدبیر در آیات مربوط به هدف زندگی می‌پردازد، در همان جا تبیین و هدف زندگی نیز اتفاق می‌افتد و دانش‌آموزان با سیره معصومین و توضیحات ضروری دیگر در هدف زندگی آشنا می‌شوند و اگر نیازی به استدلال‌های عقلی بود، در همین جا بیان می‌گردد. یعنی با محور قرار گرفتن قرآن، از احادیث، استدلال‌ها، شواهد و مثال‌ها و شعر و مانند آن استفاده می‌شود.

در حقیقت، این مربوط به ویژگی تدبیر در قرآن است که در هر تدبری، بحث معارفی وجود دارد و دبیر ناگزیر است که آنچه را در تدبیر به دست آورده، برای دانش‌آموزان تبیین کند.

ب- در رویکرد تلفیق، استفاده مفید از محتوای آموزشی، زمان، فضا، برنامه‌های تدریس و سایر عوامل دخیل در آموزش می‌شود. ارزش‌یابی و امتحان واحد نیز از آثار مفیدی است که تلفیق در بر دارد که تأثیر به‌سزایی در فعالیت مطالعاتی دانش‌آموزان می‌گذارد.

با تلفیق این دو درس از محتوای اضافی جلوگیری می‌شود. یعنی هم محتوای کتاب درسی و هم محتوای تدریسی معلم تقلیل می‌یابد و از زمان استفاده بهتر صورت می‌گیرد.

ج- رویکرد تلفیق، سبب می‌شود که به‌طور طبیعی یک معلم به تدریس این درس بپردازد. ارتباط عملی معلم دینی با آموزش قرآن و تدبیر در آن سبب می‌شود که دبیر در هر دو جنبه به توانایی عملی و مهارتی برسد. این دبیر هم می‌تواند پاسخگوی سؤال‌های معارفی دانش‌آموزان باشد و هم مهارت آموزش قرآن را به دست آورد.

د- رویکرد تلفیق انس با قرآن را نیز افزایش می‌دهد. انس با قرآن یک هدف گرایشی است که ارتباط آن با محتوا و معارف قرآن بیش از قرائت آن است. وقتی دانش‌آموز دریابد که قرآن کریم با استدلال متین و با بیانی زیبا از توحید، آخرت، پیامبران، نماز و مانند آن سخن گفته، جذب این کتاب الهی می‌شود و انس او با قرآن افزایش می‌یابد.

۲. محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات الله علیهم

این اصل که برگرفته از مبانی تعلیم و تربیت دینی است، بر همه‌ی اجزای برنامه بخصوص موارد زیر حاکم است:

اول: اهداف کلی و پایه‌های تحصیلی درس قرآن و تعلیمات دینی دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی

دوم: تدوین محتوا و رسانه‌های آموزشی

سوم: تعیین اولویت‌های موضوعی

چهارم: ویژگی‌های معلم و روش‌های تعلیمی و تربیتی

۳. تنظیم محتوا در جهت تبیین برنامه‌ی نظری و عملی زندگی دینی در دنیای امروز:

یکی از ضرورت‌های تربیت دینی ارائه‌ی راه عملی و برنامه‌ی زندگی پیش روی نسل امروز است نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز زندگی دینی داشته باشد، یک زندگی عزت‌مند که نه تنها احساس حقارت و کمبود شخصیت نکند، بلکه با سربلندی حضوری مؤثر در جامعه داشته باشد و به رضایت درونی برسد. این آموزش باید با زندگی دانش‌آموز پیوند بخورد و با آن در آمیزد و از طریق نمونه‌های عینی و مصادیق ملموس، جنبه‌ی عملی و کاربردی تعلیم دینی تقویت شود.

۴. توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی: قرآن کریم نسبت انسان با خدا و دستورات الهی را

در سه مرتبه طرح می‌کند:

اول: انجام تکلیف و اطاعت از خداوند براساس قبول رابطه‌ی بندگی و اعتماد مطلق به خداوند و تسلیم در برابر خواست‌های او؛ توجه به اوامر و نواهی خداوند و قبول آنها براساس اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند بر جهان و انسان.

دوم: همین انسان که عمل را از سر اطاعت مطلق انجام می‌دهد، باید در تحلیل عقلی در یابد که اوامر و نواهی الهی بنا بر مصالحی است که کمال و رشد انسان را تضمین می‌کند. این تصدیق عقلی کیفیت عمل را تعالی می‌بخشد و اعتماد شخص را افزایش می‌دهد.

سوم: همین انسان از زاویه‌ای دیگر به خدا، که جمال و کمال مطلق است، عشق می‌ورزد و او را مقصد و مقصود و محبوب خود می‌یابد و می‌کوشد رضایت خاطر دوست را فراهم کند. پس هر کاری را که محبوب دوست دارد، انجام می‌دهد و از آن‌چه دوست نمی‌پسندد، دوری می‌کند.

این سه بعد نه تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و متمم یکدیگرند و به میزانی که انسانی به کمال برسد، توانایی او در جمع این سه بعد افزایش می‌یابد. تبیین دین با توجه به این سه بعد، معقولیت دین را روشن کند، زیبایی‌های آن را عیان می‌سازد و تعبد در پیشگاه خداوند را تضمین می‌کند.

بنابراین لازم است مباحث نظری، اخلاقی و عبادی به گونه‌ای طرح شوند که پیوند میان آن‌ها نشان داده شود، به طوری که دانش‌آموز مباحث اخلاقی، عرفانی و عبادی را مبتنی بر عقلانیت و نظر بیابد و در عین حال به سوی اخلاق و رفتار متعالی نیز ترغیب شود.

۵. ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب

پیش از عرضه‌ی معارف، تقویت طلب و تشنگی در مخاطب ضروری است. اگر وی به این معارف احساس نیاز نکند، به سوی آن روی نخواهد آورد و شاهد و شیرینی آن را نخواهد چشید. چنین مخاطبی، به شخصی می‌ماند که با احساس سیری کاذب بر سر سفره‌ای رنگین نشسته و به هیچ یک از غذاها میل ندارد. وظیفه‌ی آموزش این است که آن طلب درونی و فطری را آشکار کند و برای دانش‌آموز شفاف سازد.

نباید چنین اندیشید که باید از فرصت استفاده کرد و همه چیز را به دانش‌آموز گفت. این سیرابی، در واقع، سراب است. باید شرایطی فراهم کرد که متعلم احساس نیاز کند و با طلب درونی به سوی معارف دینی روی آورد.

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

البته ایجاد طلب و تشنگی با ایجاد تشکیک و طرح شبهه متفاوت است. طلب و تشنگی انسان را به سمت سؤال و جست و جو سوق می‌دهد. اما شبهه سبب سرد شدن و بی‌انگیزه شدن فرد می‌گردد. و احتمال ماندن و توقف را افزایش می‌دهد. در موارد ضروری و در سال‌های آخر متوسطه بهتر است به طرح برخی شبهات پرداخت و با دادن آگاهی عمیق، جامع و مستدل آن شبهات را رفع کرد. شناخت درست و صحیح معارف و تقویت ایمان و اشتیاق برای عمل به فرایض بهترین راه مهار شبهات و دفع آن‌هاست.

۶. فراهم کردن فرصت تجربه و تأمل با خود

تربیت دینی با میل و کششی در قلب آغاز می‌شود. این میل و کشش نیز آن‌گاه پدید می‌آید که مخاطب فرصت تأمل و درون‌کاوی خود را پیدا کند و گرایش‌های فطری به زیبایی‌های دینی در خود آگاه وی ظاهر شود. در این تأملات، زیبایی‌های دین لمس می‌شود و از درون وی انگیزه‌ای به سوی معارف دینی پدیدار می‌شود.

۷. ترسیم سیمای معقول و زیبای دین

ذات دین در نهایت معقولیت و زیبایی است. زیرا هم از جانب خدای حکیم و جمیل آمده و هم راه هدایتی است که نه تنها قوهی نظری و عقلی انسان را به کمال می‌رساند، بلکه به او شخصیتی با زیبایی‌های معنوی می‌بخشد. گاهی این دین زیبا و معقول، با کج سلیقگی‌ها و افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو شده و به گونه‌ای معرفی گردیده که برای مخاطب جاذبه‌ی چندانی نداشته است. معارف نظری دین باید همان‌گونه که هستند، در نهایت اتقان و استحکام عقلی و عملی عرضه شوند که عقل را اقناع کنند و احکام و دستورات عملی آن نیز باید به صورتی طرح گردند که یک زندگی بسیار زیبا و جذاب را برای مخاطب ترسیم نماید و به او پیشنهاد دهد. علاوه بر این دانش آموز باید احساس کند که تعالیم دینی نه تنها زندگی را سخت و مشکل نمی‌کند، بلکه تعالیمی کارآمد و زندگی‌ساز است و او می‌تواند به آسانی یک زندگی دینی برای خود سامان دهد.

۱. پیراستن دین از خرافه‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین

خرافه‌زدایی از دین و پیراستن آن از آداب و سنن غلط اجتماعی با تکیه بر معارف قرآن کریم و سیره‌ی معصومین (ع) و مشی تربیت‌یافتگان ائمه بزرگوار به نحو دقیق و ظریف انجام گردد. دقت و ظرافت از آن جهت لازم است که بسیاری از آداب و سنن اجتماعی گرچه ممکن است از دین گرفته نشده باشند، اما با دین تعارضی ندارند و حفظ آن‌ها سبب وحدت ملی و همبستگی است و موافق طبع اقوام یک سرزمین است. بنابراین اول باید آداب و سنن غلط از آداب و سنن صحیح تفکیک شوند و سپس تعارض آداب و سنن غلط با دین روشن گردد. اگر به آداب غلط اجتماعی به نام دین بها داده شود، حقیقت دین مسخ می‌شود و دیگر قابل قبول برای انسان اندیشمند و فهیم نمی‌باشد.

۲. ارائه برنامه اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی

آموزش اخلاقی باید یکی از ارکان اصلی آموزش دین باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». آنچه در این جا باید مدنظر قرار گیرد، ارائه‌ی یک برنامه‌ی عملی در اخلاق و سلوک فردی و اجتماعی است که غایت آن کمال فردی و به فعلیت رسیدن خصائل معنوی و کمالات نفسانی و نیز اصلاح جامعه و سیر به سوی عدالت اجتماعی است. در این صورت دانش‌آموزی که انگیزه‌ی وصول به حقیقت در او ایجاد شده، می‌داند که چگونه عمل کند تا کمال یابد.

برنامه‌ی درسی باید رشد اجتماعی دانش‌آموزان را نیز مورد توجه قرار دهد، به طوری که با ورود وی به صحنه‌ی عمل اجتماعی بتواند مصالح جامعه و نظام اسلامی جامعه‌ی خود را بر مصالح فردی ترجیح دهد و نقش خود را به

عنوان یک عضو با کفایت و حافظ معیارها و ارزش‌های اسلامی به خوبی ایفا نماید. متعهد به میثاق‌ها و تعهدات اسلامی خود در قبال جامعه باشد و به اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر عمل نماید و بدین وسیله حافظ نظام اسلامی خود باشد.

۱۰. ایجاد آمادگی در دانش‌آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب

برنامه‌ی درسی باید به نحوی تنظیم گردد که ناظر بر واقعیت و ابتلائات اخلاقی و فرهنگی باشد و دانش‌آموز به نحوی آموزش ببیند که آمادگی برخورد مناسب و سنجیده با شرایط نامساعد را داشته باشد و منحل در شرایط مشکل نگردد. به عبارت دیگر آموزش نباید متناسب با شرایط ایده‌آل خالی از هرگونه مشکل تنظیم شود.

۱۱. سمت‌گیری برنامه‌ی درسی در جهت وحدت اسلامی

برنامه باید در جهت تقویت وحدت اسلامی و نزدیکی پیروان مذاهب مختلف اسلامی مؤثر باشد و مودت و رحمت میان آنان را استحکام بخشد. به همین دلیل باید از تعارضات و کشمکش‌های بی‌مورد فکری اجتناب نمود و محور آموزش را بر تعلیمات قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بزرگوار ایشان که محبوب قلوب مسلمین می‌باشند، قرار داد.

۱۲. حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش

اندیشه‌های حضرت امام خمینی که معمار بزرگ نظام اسلامی در عصر حاضر هستند، باید در همه‌ی مراحل آموزش و محتوای کتاب‌های درسی حضور داشته باشد. استفاده از پیام‌ها، سخنرانی‌ها و کتاب‌های ایشان و آوردن مصادیق و نمونه‌ها و شواهد از آن‌ها و نیز ارجاع دانش‌آموز به این آثار در برنامه‌های تحقیقی خود، سبب توجه دانش‌آموزان به اندیشه‌های آن بزرگوار است.

۱۳. بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین

در تدوین و تبیین آموزه‌های دینی، باید از منبع غنی علوم و فرهنگ اسلامی که فرزندان علم و تقوا در طول چند قرن تمدن اسلامی با مجاهدت خود فراهم ساخته‌اند، استفاده شود و دستاوردهای علمی که دانشمندان اسلامی معاصر در جهت ارائه اسلام ناب در جهان امروز عرضه کرده‌اند، به خصوص آثار فرهنگی حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، علامه طباطبایی و شهید مطهری - رحمه الله علیهم - و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرا راه حرکت‌های آموزشی قرار گیرد.

۱۴. توجه به نیازها و ویژگی‌های دختران و پسران

با توجه به این که در برخی از احکام دینی تفاوت‌هایی میان احکام دختران و پسران وجود دارد که باید به هر گروه به تنهایی آموزش داده شود، برنامه باید پیش‌بینی این تفاوت‌ها را بکند، هم چنین در اموری مانند سن بلوغ، معاشرت، پوشش و حجاب، نظام خانواده، نقش مرد و زن در خانه و جامعه، باید به نوع مخاطب و نحوه‌ی پیام‌رسانی به او توجه گردد. هم‌چنین جنبه‌های روان‌شناختی زن و مرد در مجموعه‌ی آموزش‌ها باید مدنظر قرار گیرد.

۱۵. تقویت احساس نیاز به دین

برنامه‌ی درسی و آموزش‌های دینی باید به گونه‌ای طراحی شود که اصل احساس نیاز به دین را برای دانش‌آموز زنده کند، به گونه‌ای که دریابد بدون تکیه بر دین و اعتقادات دینی زندگی او دارای یک خلاء بزرگ است و از معنا تهی است. او دریابد که زندگی با دین گره‌ها را می‌گشاید و از سردرگمی و بی‌تفاوتی‌ها نجات می‌دهد و به شخصی فعال در جامعه و هدف‌مند و مفید در زندگی تبدیل می‌کند.

۱۶. توجه به آموزش‌های خاص اهل سنت

از آن جا که میان مذاهب بزرگ اسلامی در بیش‌تر معارف اسلامی وحدت نظر است، این برنامه شامل آموزش‌های مربوط به دانش‌آموزان اهل سنت نیز می‌شود و فقط در موارد خاص فقهی و مانند آن که اختلاف نظر وجود دارد، باید بر اساس منابع اصیل اهل سنت، محتوای آموزشی ویژه تنظیم گردد. این محتوا در چارچوب همین برنامه و توسط دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تنظیم می‌گردد.

۱۷. توجه به آموزش‌های خاص اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)

چون همه‌ی ادیان الهی در اصول دین و جوهره و حقیقت دین که خداگرایی و معنویت‌گرایی و عمل برای سعادت در آخرت است، وحدت نظر دارند، چهارچوب کلی برنامه‌ی درسی آنان از همین برنامه اخذ می‌شود. اما محتوای آموزشی آنان با توجه به تعلیمات خاص آن ادیان و با استفاده از منابع مورد تأیید در آن ادیان، فراهم می‌آید. این آموزش باید هماهنگ با قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران باشد و به تأیید دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی برسد.

ب- اصول عام

۱- توجه به نیازها در برنامه‌ی درسی

الف - دو دسته نیاز در آموزش باید مورد توجه باشد:

اول نیازهای بنیادی و فطری؛ این نیازها همان کمالات بالقوه‌ای است که انسانی فطرتاً سعادت خود را در آنها می‌یابد و آنها را جست و جو می‌کند. توجه به آنها در آموزش، سبب میل و رغبت درونی دانش‌آموز می‌گردد، به گونه‌ای که در مسیر آموزش در ضمیر خود احساس طمأنینه و امنیت خاطر می‌نماید، موضوع طرح شده را مسأله خود می‌یابد و با آن فعالانه برخورد می‌نماید.

دوم نیازهای منبعث از شرایط اجتماعی: این نیازها در تضارب فرهنگی و اخلاقی و تحولات اجتماعی پدیدار می‌شوند. ملاحظه‌ی نیازهای روز سبب می‌شود که تربیت دینی دانش‌آموز متناسب با زمان صورت گیرد و آموزش جنبه‌ی کاربردی داشته باشد و متعلم با دیدن این آموزش‌ها مسیر زندگی اجتماعی را به سهولت تشخیص دهد و با جریانات اجتماعی سنجیده برخورد نماید و صرفاً منفعل و تأثیرپذیر نباشد.

ب - محور قرار گرفتن نیازهای روز دانش‌آموز، سبب جزئی‌نگری و گزینش در مفاهیم دینی می‌شود و مانع ارائه دید کلی و جامع می‌گردد و آموزش را به سمت عملگرایی و دنباله روی از حوادث می‌کشاند. برای اجتناب از این امر، باید نیازهای انسانی و ثابت که از ندای درونی و فطرت آدمی سرچشمه می‌گیرند، محور قرار گیرند و نیازهای روز و فوری دانش‌آموز در چارچوب آنها پاسخ داده شوند. علاوه بر این می‌توان نیازهای روز را زمینه‌ی ورود به معارف کلی و محوری دین قرار داد تا هم انگیزه‌ی لازم در دانش‌آموز ایجاد شود و هم نحوه‌ی حضور آن معارف در زندگی ملموس گردد.

- استفاده از علوم روز

تعلیم و تربیت به عنوان یک علم، با اتکا به تجربه‌های انسانی در حال پیشرفت و توسعه است. این پیشرفت به علت توسعه‌ای است که در دانش‌های مرتبط با آن اتفاق می‌افتد. به طور مثال دانش روان‌شناختی بخصوص روان‌شناختی رشد که در این سال‌ها پیشرفت فراوانی کرده، می‌تواند در خدمت تعلیم و تربیت دینی قرار گیرد. مسلماً در این جا، مانند سایر علوم انسانی، دیدگاه‌های مختلفی مطرح است و توصیه‌های مختلفی مبتنی بر تنوع دیدگاه‌ها پیشنهاد می‌گردد. آن دسته از توصیه‌ها که متناسب با دیدگاه تعلیمی و تربیتی اسلام است، سبب ارتقاء کیفی تربیت و دستیابی به شیوه‌های مطلوب‌تر می‌گردد.

۳- پرورش مهارت‌های تفکر

انسان دیندار، هم‌چنان که به وظایفی مانند نماز، روزه، صداقت در گفتار، کمک به نیازمندان عمل می‌کند. اهل تفکر، اندیشه‌ورزی، تحقیق، تجزیه و تحلیل و حقیقت‌جویی نیز هست و این را هم یک وظیفه‌ی دینی می‌شمارد. لذا برنامه‌ی درسی باید به گونه‌ای تنظیم شود که مهارت‌هایی مانند خلاقیت فکری، حقیقت‌جویی، هم‌فکری و مشورت، قدرت تحقیق و مطالعه و توانایی استدلال را در دانش‌آموز تقویت نماید.

۴- بهره‌مندی از فناوری‌های جدید در برنامه‌ی درسی

فناوری‌های جدید، نه تنها انتقال اطلاعات را آسان کرده است، بلکه سبب تسهیل در سازمان‌دهی آموزش نیز شده است. برنامه‌ی درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان خروج تدریجی از وضع موجود و عدم تکیه‌ی مطلق بر کتاب درسی را فراهم کند و حتی الامکان از ابزارهای کمک آموزشی از قبیل فیلم و رایانه استفاده کند.

۵- رعایت پیوستگی و انسجام طولی و عرضی در برنامه‌ی درسی

این برنامه باید در تمام سطوح به نحوی تدوین گردد که یک مجموعه کامل به هم پیوسته را از دین ارائه دهد. در عین حال که تقدم و تأخر مطالب با توجه به شرایط سنی و نیازها ضروری است، اما دقت شود که ارتباط اصول با فروع و ابتداء فروع بر اصول مراعات گردد. ممکن است اصلی از اصول در پیش دانشگاهی آموزش داده شود و فرعی از آن در سال اول، اما باید توجه شود که سایه‌ی آن اصل بر این فرع گسترده باشد. بنابراین درس‌ها طوری طرح شود که یک رابطه‌ی منطقی میان همه‌ی مطالب آن‌ها برقرار باشد. هم‌چنین این برنامه باید با برنامه‌های درسی دیگر هماهنگی داشته باشد به طوری که مجموعه‌ی برنامه‌های درسی کمک‌کننده‌ی به یک‌دیگر باشند و هم‌دیگر را تأیید و تکمیل نمایند.

۶- توجه به دانش‌آموزان ویژه و استعداد‌های برتر

برنامه‌های درسی که برای عموم دانش‌آموزان و در سطح متوسط توانایی‌ها تنظیم می‌شود، باید فرصتی برای ظهور استعداد‌های برتر و خلاقیت‌های فردی افراد ایجاد کند. هم‌چنین به دانش‌آموزانی که توانایی آنان از حد متوسط پایین‌تر است، توجه خاص نموده و برای آن‌ها برنامه‌های ویژه‌ای تدارک ببیند.

۷- توجه به ویژگی‌های عصر جدید

برنامه‌ی درسی قرآن و تعلیمات دینی باید به ویژگی‌های عصر جدید که عصر فناوری و ارتباطات است توجه کند. این ویژگی‌ها تاثیر بسزایی بر نگرش‌ها، سلیقه‌ها و گرایش‌های دانش‌آموزان و نوع زندگی آنان

دارد. فناوری سبب شده که دانش آموزان در هر لحظه و هر مکان در معرض بمباران اطلاعات در عموم حوزه‌های علمی و نظری باشند. زندگی در این فضا، نیازمند یک برنامه‌ی تربیتی است که توانایی عقلی و خردمندی دانش‌آموزان را افزایش دهد تا در معرض بادها و طوفان‌های تبلیغاتی نلغزند و نیز دلبستگی و عشق و محبت آنان را به خداوند، الگوهای دینی و مظاهر مذهبی بیشتر کند تا در شیخون فرهنگی ایستادگی و مقاومت نمایند.

۸- ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش

شیوه‌ی حاکم در ارائه درس‌ها به نحوی باشد که دانش‌آموز احساس کند در یک جامعه‌ی مذهبی حضور دارد و نسبت به جامعه‌ی خودش دارای وظیفه است و با عادات مذهبی آن جامعه آشناست.

جامعه‌ای که در محله‌ی آن مسجد است، صدای اذان به گوش می‌رسد، شب‌های جمعه آن دعاست، روز جمعه نماز است، در معاشرت سلام می‌گویند، در عزای حسینی شرکت می‌نمایند، اعیاد دینی را مهم می‌گیرند، در معامله و تجارت انصاف و جوانمردی را بر خدعه و دروغ، معنا و حقیقت را بر دنیا و ظواهر ترجیح می‌دهند، کار را برای خدا می‌کنند، نماز را در مساجد و در اول وقت می‌خوانند، با قرآن انس دارند، یار ستم‌دیده و دشمن ظالمند، حقیقت طلب و با انصافند، به اهل بیت به عنوان محبین و محبوبین خداوند عشق می‌ورزند، رفتار خود را با آنان تطبیق می‌دهند، از دیدن منکراتی چون ظلم، تجاوز، بی‌عفتی و سایر رذائل اخلاقی متنفر می‌شوند و از دیدن امور معروفی چون عدل، پاکدامنی و سایر فضائل اخلاقی مسرور می‌گردند. در عین حال، باید آموزش به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز بتواند این فضای آرمانی را با فضای واقعی مقایسه کند و فضای واقعی را نقد نماید. این امر سبب می‌شود که انگیزه‌ی وی برای حرکت به سمت فضای آرمانی و تغییر و اصلاح وضع موجود افزایش یابد.

۹- تقویت هویت اسلامی و ملی

دنیای امروز، دنیای ارتباطات، تداخل فرهنگ‌ها و کم رنگ شدن مرزهای هویتی است. در این شرایط، قدرت‌های استکباری حاکم بر جهان، می‌کوشند به یکسان‌سازی فرهنگ‌ها به نفع تمایلات قدرت طلبانه و مادی خود بپردازند. لذا با بهره‌گیری از فناوری‌های نو، تبلیغات، هنر، معنویت‌های دروغین و اندیشه‌های الحادی و سکولار، فرهنگ‌های ملی و مستقل را تضعیف کنند و جهان را به سود خود سامان دهند. درس دینی باید در جهت تقویت هویت اسلامی و ملی برنامه‌های خود را سامان دهند، درس دینی باید در جهت تقویت هویت اسلامی و ملی برنامه‌های خود را سامان دهد، برای تهاجمات مختلف فرهنگی راه حل ارائه نماید و در حد ظرفیت خود مانع تحقق اهداف دشمن شده و به تضعیف و نابودی فرهنگ الحادی جهان کمک نماید.

۱۰- انعطاف‌پذیری برنامه

از آنجا که درس تعلیمات دینی و قرآن یک درس عمومی برای دانش‌آموزان سراسر کشور در کلیه رشته‌هاست، باید از انعطاف لازم برخوردار باشد تا بتواند نیازهای مختلف اقلیمی، تفاوت‌های جنسیتی دختر و پسر، چالش‌های محیط‌های گوناگون اجتماعی را پوشش دهد و برای معلم این امکان را فراهم کند که بتواند در چارچوب برنامه و محتوای آموزشی تدوین شده به آن نیازها و چالش‌ها مناسب دهد.

۱۱- امکان توسعه و تکمیل و تجدیدنظر در برنامه

آموزش قرآن و تعلیمات دینی با دنیای متحول فکری، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه پیوندی مستقیم و وثیق دارد و آن تحولات، اندیشه و عمل مخاطبین آموزش «دانش‌آموز» را به سرعت متأثر می‌نماید، لذا لازم است شورای برنامه ریزی درسی قرآن و تعلیمات دینی به طور مستمر تشکیل گردد و برنامه‌ی درسی را روز آمد نماید. البته تغییرات باید به نحوی انجام گیرد که آموزش را دچار تحولات روزمره نسازد و به اصل تداوم در آموزش لطمه وارد نیاورد.